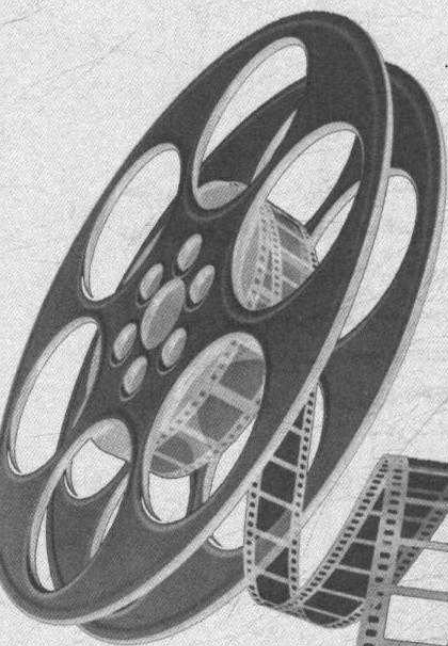




www.ketab.ir



کتاب فیلم

گروه نویسندگان

دنی لی (ویراستار ارشد)
لویس بکستر - جان فارندان
کران گرنت - دیمن وایز

ترجمه‌ی شهاب صفری



عنوان و نام پدیدآور: کتاب فیلم / لویی باکستر... [و دیگران]؛ [ویراستار] دنی لیک؛ ترجمه شهاب صقری. / مشخصات نشر: تهران: نخستین، ۱۴۰۰. / مشخصات ظاهری: ۳۵۱ ص.: مصور (بخشی رنگی)، جدول / شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۲۷-۱۹۹-۱ / وضعیت فهرست نویسی: فیبا / یادداشت: عنوان اصلی: c The movie book: big ideas simply explained, ۲۰۱۶. / لویی باکستر، جان فارندون، کران گرانت، دیمون وایز. / نمایه / موضوع: سینما - تاریخ / Motion pictures - History / شناسه افزوده: بکستر، لوئیس / Baxter, Louis / لی، دنی، ۱۹۷۲-م.، ویراستار / Leigh, Danny, ۱۹۷۲- / صقری، شهاب، ۱۳۴۹. مترجم / رده بندی کنگره: ۵/۱۹۹۳PN / رده بندی دیویی: ۴۳۰۹/۷۹۱ / شماره کتابشناسی ملی: ۸۵۳۰۸۴۶



نشر نخستین



کتاب فیلم

نویسندگان:

دنی لی، لویی باکستر

جان فارندون، کران گرانت، دیمون وایز

مترجم: شهاب صقری

آماده سازی متن صفحات: امین آشوری

گرافیک جلد: امیر قشقایی

چاپ اول: پاییز ۱۴۰۰

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۲۷-۱۹۹-۱

چاپ مرتب، لیتوگرافی نگین



تهران: خیابان انقلاب خیابان ۱۲ فروردین

تقاطع روانمهر شماره ۲۲۷

تلفن: ۶۶۴۹۸۱۴۸ کد پستی ۱۳۱۴۷۱۳۱۱۵

nakhostinpub@yahoo.com

nabook.ir

حق چاپ محفوظ است.

فهرست

۱۰ پیش‌گفتار

آینده‌نگرها
۱۹۳۱ - ۱۹۰۲

۲۰ کار، همه چیز را تسخیر می‌کند
سفری به ماه
۲۲ بیرون از گهواره‌ای که همیشه
تاب می‌خورد
تعصب
۲۴ من باید کالیگاری بشوم!
قفه‌ی دکتر کالیگاری
۲۸ منتظر چه هستیم؟
رزمناو پوتمکین
۳۰ این آواز مرد و زنش، از هیچ
جایی نیست و از همه جاست
طلوع

۳۲ آن‌هایی که زحمت می‌کشند،
هیچ چیز از رؤیاهای کسانی که
نقشه کشیده‌اند نمی‌دانند

متروپلیس

۳۴ اگر همان چیزی که فکر
می‌کنی را بگویی، خفیات می‌کنم

استیم‌پوت بیل پسر

۳۵ آیا خداوند چیزهایی را به تو
وعده داده است؟

مصائب زاندارک

۳۶ باز عاشق شدم، هرگز
نمی‌خواستم این‌طور بشود

فرشته‌ی آبی

۳۷ اگر جای تو بودم، بکوابی به
یامی‌کردم

مردم در روز یکشنبه

۳۸ فردا پرندگان خواهند خواند
روشنایی‌های شهر

عصر طلایی سیاه و سفید
۱۹۴۹ - ۱۹۳۱

۴۶ نمی‌خواهم، اما مجبورم!

M

۴۸ با من ازدواج
می‌کنی؟ برایت ارث
باقی گذاشته‌ام؟ اول،

سوال دوم را جواب بده

سوپ آردک

۴۹ نگران نباشید، خانم‌ها و
آقایان، این زنجیرها از فولاد کروم
ساخته شده‌اند

کینگ کونگ

۵۰ جنگ آغاز شده! مرگ بر
ناظم‌ها و تنبیه!

نمره‌ی انضباط، صفر

۵۲ به دنیای جدید خدایان و
هیولاها!

عروس فرانکشترین

۵۳ آینه‌ی جادویی روی دیوار،
چه کسی از همه زیباتر است؟

سفیدبرفی و هفت کوتوله

۵۴ یک حسی به من می‌گوید که
دیگر در کانزاس نیستیم

جادوگر از

۶۰ هرکسی دلایل خودش را دارد
قوانین بازی

۶۲ فردا روز دیگری است

بربادرفته

۶۴ تو شگفت‌انگیزی، از نوع
نفرت‌انگیزش

منشی همه‌کاره‌ی او

۶۶ این که بگویند مردی چه کرده
کافی نیست، باید بگویند او که

بوده است

همشهری کین

۷۲ از بین این همه شهری که در
دنیا هست، او باید یک‌راست بیاید

جایی که من هستم

کارابلانکا

۷۶ به چه جرأتی من را کالباس
صدا می‌زنی؟

بودن یا نبودن

۷۸ این جا کنار اجاق، گرم است

وسوسه



روش یاد بگیرم

شورش بی دلیل

۱۳۲ وقتی حالم بهتر شد، باز هم

می‌رویم و قطارها را نگاه می‌کنیم

پاتر پانچالی

۱۳۴ من را به آن ایستگاه اتوبوس

ببر و اصلاً فراموش کن که من را

دیده‌ای

مرگبار ببوس مرا

۱۳۵ روز موعود فرا می‌رسد

جویندگان

۱۳۶ مدتی دراز در کنارت راه

رفتم

مهر هفتم

۱۴۰ اگر کاری را که می‌گویی

بکنم، دوستم خواهی داشت؟

سرگیجه

۱۴۶ تو در دوران شورش چه کار

می‌کردی؟

خاکسترها و الماس‌ها

۱۴۸ خُب، هیچ‌کس کامل نیست

بعضی‌ها داغش را دوست دارند

۱۵۰ والدینت می‌گویند همیشه

دروغ می‌گویی

چهارصد ضربه

شورش شورش

۱۹۷۴ - ۱۹۶۰

۱۶۰ تو نخستین زن در نخستین

روز آفرینشی

زندگی شیرین

۱۶۶ ترمز بگیر. ماشین‌ها را برای

رفتن ساخته‌اند، نه برای ایستادن

از نفس افتاده

۱۶۸ همه‌ی قوانین احمقانه،

هراس و شگفتی

۱۹۵۹ - ۱۹۵۰

۱۰۸ همه‌ی ما می‌خواهیم چیزی

را فراموش کنیم، برای همین قصه

تعریف می‌کنیم

راشومون

۱۱۴ من بزرگم. فیلم‌ها هستند که

کوچک گرفته می‌شوند

بلوار سان‌ست

۱۱۶ من همیشه به محبت غریبه‌ها

متکی بوده‌ام

اتوبوسی به نام هوس

۱۱۸ برای چیزهای کوچک، دنیای

بخشی‌ام

شب شگاری

۱۲۲ اولین چیزی که هر بازیگری

یاد می‌گیرد چیست؟ «نمایش باید

ادامه پیدا کند»

آواز در باران

۱۲۶ بیا برگردیم خانه

داستان توکیو

۱۲۸ وقتی بچه بودم، مردهایی را

می‌دیدم که سراغ این جور کارها

می‌رفتند - و بر نمی‌گشتند

مزد ترس

۱۲۹ اگر ما از تجهیزات شما علیه

گودزیلا استفاده نکنیم، پس چکار

باید بکنیم؟

گودزیلا

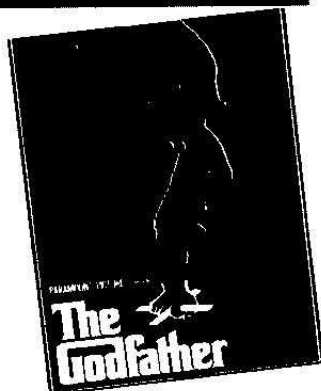
۱۳۰ فقط صبر کن تا مادرت را

بینی. او هرگز این قدر جذاب

نبوده

هر چه خدا می‌خواهد

۱۳۱ فکر نمی‌کنم بخواهم به این



۷۹ امروز صبح چقدر معصوم به

نظر می‌رسم

لورا

۸۰ یک آردنگی به پشت، اگر به‌جا

زده شود، خنده‌ی مسلم است

بچه‌های بهشت

۸۴ بچه‌ها چیزی را که به آن‌ها

بگوئیم باور می‌کنند

دیو و دلبر

۸۶ این عالم است. بزرگ است،

نه؟

مسئله‌ی مرگ و زندگی

۸۸ جورج، یادت باشد، کسی که

دوستان زیادی دارد زندگی‌اش را

نباخته

چه زندگی شگفت‌انگیزی

۹۴ من سرم توی کار خودم است،

آزاری به کسی نمی‌رسانم، و چه

گیرم می‌آید؟ دردسر

دزد دوچرخه

۹۸ گشتن تروتمیز آدم‌ها با

همکاری کسی که با او دوستی

نداری خیلی سخت است

نیم‌تاج‌ها و قلب‌های مهربان

۱۰۰ دنیا هیچ قهرمانی را خارج از

داستان‌های تو به‌وجود نمی‌آورد

مرد سوم



هنوز نمی دانم چه می خواهند به آن‌ها بگویم. حرف‌هایم نزدیک به حقیقت خواهند بود. فیلیپ مارلو / خواب بزرگ

هنر زمانه، تثبیت کرد.

قطار، وحشت، و جاروجنجال

در زمانی که ملیه مشغول ساختن فیلم ماجراجویانه خود درباره‌ی ماه بود، سینما در جایگاه سرگرمی کم‌اعتباری که می‌شد در تماشاجانهای سرپوشیده و روباز از آن لذت بُرد، جا افتاده بود. برای این‌که آغاز واقعی سینما در ریایم، لازم است اندکی به عقب‌تر بازگردیم - باز هم به پاریس، اما این‌بار با حضور دو نمایش‌دهنده در مرکز توجه. در سال ۱۸۹۶، زمان طلایی دو برادر به نام‌های آگوست و لویی لومی‌یر فرا رسید و آن، هنگامی بود که یک سال پس از تجربه‌ی نمایش فیلم‌های خود بر پرده‌ی بزرگ، نخستین بار فیلم «ورود قطار به ایستگاه» را در فرانسه به نمایش عمومی گذاشتند. فیلمی که فقط ۵۰ ثانیه بود و در آن، همان‌طور که از عنوانش پیداست، قطار بخاری وارد ایستگاه لاسیوته می‌شود و نما، از پهلوی سکو گرفته شده است. همه‌ی کسانی که این صحنه را می‌دیدند، از وحشت پا به فرار می‌گذاشتند و گمان می‌کردند که قطار لجام‌گسیخته، آن‌ها را زیر خواهد گرفت. دست‌کم، این

این کتاب برخی از فیلم‌هایی را که بیشترین شگفتی‌ها را در سینما رقم زنده‌اند شرح می‌دهد، درباره‌ی آن‌ها بحث می‌کند و آن‌ها را محترم می‌شمارد. نویسندگان این کتاب، فیلم‌هایی را گردآورده‌اند که احساس می‌کردند بیشترین تأثیر را، هم بر سینما و هم بر جهان داشته‌اند.

این سفر از سال ۱۹۰۲ میلادی آغاز می‌شود؛ هنگامی که نمایش‌دهنده‌ی پاریسی، ژرژ ملیه، تازه‌ترین بخش از مجموعه فیلم‌های کوتاه صامت‌ی را که با آن‌ها هم‌وطنان خود را سرگرم کرده بود، رونمایی کرد. این، فیلمی بود به نام «سفر به ماه» که موفقیتی بزرگ و فوری - نه فقط در فرانسه، بلکه در سراسر دنیا - به دست آورد. (از بحث بد ملیه، بیشتر موفقیت آن به‌سبب به‌غارت رفتن آن به دست رقیبانش بود.) محبوبیت آن، بیشتر از هر فیلم دیگری در آن دوره بود و جایگاه سینما را به عنوان شکل برتر



سینما هر مسیری را در پیش بگیرد، فراموش کردن سرآغاز آن برایمان تبعات سنگینی خواهد داشت.

مارتین اسکورسزی



روایتی است که پس از آن رویداد، دهان به دهان نقل شده است. اصل واقعیت ماجرا در گذر زمان از بین رفته است اما برادران لومی‌یر، یا خیلی زود در به کارگیری توانایی‌های این هنر جدید خبره شدند و پرده‌ی سیما را به شکل زندگی واقعی درآوردند، یا این‌که تبخیر خیره‌کننده‌ای در جاروجنجال تبلیغاتی داشتند. شاید فرقی نکند که کدام‌یک بوده‌اند، چراکه هر دوی این مهارت‌ها از ارکان اصلی سینما هستند.

اما شاید لازم باشد باز هم کمی به عقب‌تر برویم. هرچه باشد، پیش از این‌که برادران لومی‌یر، تماشاگران خود را به دام وحشت بیندازند، بسیاری دیگران، پیشگام فیلم‌سازی بوده‌اند. لازم است ادای احترامی بکنیم به تامس ادیسون، مخترع آمریکایی، که فیلم‌هایی از گربه‌های مشت‌زن و مرثی در حال عطسه کردن را دو سال پیش از برادران لومی‌یر ثبت کرد، و به ادوارد مایبریج، که مطالعاتش در دهه‌ی ۱۸۸۰ درباره‌ی حرکت انسان‌ها و حیوانات، مقدمه‌ای حیاتی بر تصاویر متحرک شد.

قصه‌گویی

در واقع، حکایت فیلم‌ها را می‌توان



هر فیلم، ریتمی دارد که فقط کارگردان می‌تواند به آن دست یابد.

فریتس لنگ

داشتن آن‌ها دارد. نویسنده‌ی ارشد این کتاب، که نویسنده و روزنامه‌نگار سینمایی است، بخش بزرگی از زندگی بزرگسالی خود را در سینماها در جست‌وجوی فیلم‌هایی گذراند که بتوانند آن احساس غرق‌شدگی خوشایندی را که در کودکی به دامن افتاده بود به او بدهند: «هشت‌هفتم، درحالی‌که نورها اندک‌اند و من، پسر هفت‌ساله‌ای هستم که در جشن تولد دوستی، با دیدن تصویر هارپو مارکس بر پرده‌ای موج‌دار، به قهقهه می‌افتم؛ یا همان کسی که در ده‌سالگی از جشن خانوادگی کریسمس جیم شد تا تلویزیون طبقه‌ی بالا را روشن کند و دید که «همشهری کین» را نشان می‌دهد؛ یا همان که در چهارده‌سالگی با فیلم‌های سیاه و به‌دور از عواطف دیوید لینچ، مغزش به‌هم ریخت. هر وقت که فیلم می‌بینم، آن لحظه‌ها تکرار می‌شوند.»

متحرک را کشف کردند. پس از آن، به دهه‌های ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰ سرازیر می‌شویم - سال‌هایی طلایی که در آن‌ها در هر خیابان اصلی، سینمایی قد علم کرده بود و فیلم‌ها محبوبیت فراوانی یافته بودند؛ عصر ستاره‌هایی مانند هامفری بوگارت، کاترین هپبورن، و جیمز استوارت. در دهه‌ی ۱۹۵۰، فیلم‌سازی از اروپا، هند، و ژاپن مجموعه‌ای از شاهکارهایی را خلق کردند که امروزه هم‌چنان تحسین برانگیزند؛ کسانی مانند اریک ژرژ کلوژو، اکیرا کورسواوا، یاسوجیرو ازو، نیکلاس ری، و ساتیاجیت رای. در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، نسل جدیدی پا به عرصه گذاشت که چارچوب‌های تعیین شده را شکست و سرانجام حکایت سینما به امروز رسید. اکنون فیلم‌ها با فناوری‌هایی تولید می‌شوند که حتی تا ۱۰ سال پیش‌تر، در زمره‌ی علمی-تخیلی می‌گنجدند؛ همه‌ی دنیا با فشار دادن دکمه‌ای به چرخش درمی‌آید.

غرق‌شدگی خوشایند

زیبایی فیلم‌ها در این است که هر شخصی، شیوه‌ای متفاوت برای دیدن آن‌ها و راهی متفاوت برای دوست

تا دوران پیش از تاریخ به عقب برگرداند، زمانی که اجداد انسان به دور آتش گرد می‌آمدند و یکی از آن‌ها با استفاده از نور، سایه‌هایی را بر دیواری می‌انداخت و قصه‌هایی را از جانوران ترسناک یا قهرمانانی بی‌مانند تعریف می‌کرد. تماشاگرانی که بر صندلی‌شان می‌نشیدند تا فیلم پر زرق و برق سرهم جلوه‌ی ویژه‌ای را که هزینه‌ی ساختش هوش از سر می‌برد، بر پرده‌ی سر به فلک کشیده‌ی آی‌مکس تماشا کنند، به دور همان آتش جمع شده‌اند. فیلم در قرن بیست و یکم، هم‌چنان قصه‌گویی با کلام و تصویر است که آن تصاویر را به زندگی باورپذیر می‌آورد.

این کتاب، تلاشی است برای نقل تاریخ فیلم، از درون خود فیلم‌ها، که سفری به صد فیلم یا بیشتر، از ملیه گرفته تا یک قرن پس از آن و حتی فراتر را شامل می‌شود. در هر مدخل گفته می‌شود که فیلم، ساخت کجاست، از چه الهام گرفته و چگونه ساخته شده، مردان و زنانی که استعدادشان صرف شکل‌گیری آن شده که بوده‌اند، و جزئیات موجی که به راه انداخته چه بوده است.

این، حکایتی است که طی زمان شکل می‌گیرد. در دوران صامت، نخستین مردان و زنان، توانایی‌های تصاویر

اکنون در دنیای ارواح زندگی می‌کنم و در رویاهایم گرفتارم.

انتونیوس بلاک / هفتمین مهر